



مدارس شیراز در سده نهم

دکتر علی نقی منزوی

مجله چیستا، آبان و آذر ۱۳۷۵، شماره ردیف ۱۳۲ - ۱۳۳، برگه ۱۶۱ - ۱۷۵

به کوشش

محمدابراهیم ذاکر

۱. مدارس شیراز در سده نهم.....
۱. کشاکش‌های درون خاورمیانه.....
۱. تقسیم دوباره خاورمیانه.....
۹. سده نهم تقسیم مجدد خاورمیانه و کشاکش نوین.....
- ۹-۱. خلافت عثمانی و داوری میان غزالی و ابن‌رشد.....
- ۹-۲. خریداری کردن ترک‌ها خلافت اسلامی را از عرب‌ها.....
- ۹-۳. دوانی، خواجه‌زاده سنّی را تأیید می‌نماید.....
۱۰. مدرسه‌های شیراز در سده نهم.....
- دو مدرسه علمی شیراز.....
- الف. مدرسه دشتکی.....
- ۱۰-۱. مدرسه دشتکی.....
- ۱۰-۱-۱. صدر سوم دشتکی.....
- ۱۰-۱-۲. منصور دوم دشتکی.....
۷. نسب‌نامه خاندان دشتکی بنیان‌گذاران مدرسه دشتکی.....
- ۱۰-۲. سیاست واپس‌گرای شاه طهماسب چه بود؟.....
- ۱۰-۳. نفوذ این خاندان.....
- ب. مدرسه دوانی.....
- ملا جلال دوانی (۸۳۰-۹۰۳ق).....
۱. ب. سفر دوانی به آذربایجان.....
- آثار مورد کشاکش دو مدرسه.....
۱۱. آثاری که مورد کشاکش علمی دو مدرسه قرارگرفت.....
- ۱۱-۱. اثبات الواجب.....
- ۱۱-۲. شرح‌های تجرید.....
- ۱۱-۳. حاشیه‌های شرح مطالع الأنوار؛ یا طبقات صدری - جلالی مطالع.....

۱۷ ۴- ۱۱. هیاکل النور و شرح هایش
۱۷ ۱- ۴- ۱۱. سهروردی و هیاکل النور
۱۸ ۲- ۴- ۱۱. دو قرن بی خلیفگی
۱۹ ۳- ۴- ۱۱. فرق میان دو شرح هیاکل النور
۲۱ ۴- ۴- ۱۱. کارهایی که درباره هیاکل النور انجام گرفته است
۲۲ دیگر کسانی که درباره هیاکل النور کار کرده اند

دکتر علی نقی مسزومی

مدارس شیراز در سده نهم

دکتر علی نقی منزوی

مجله چیستا، آبان و آذر ۱۳۷۵، شماره ردیف ۱۳۲ - ۱۳۳، برگه ۱۶۱ - ۱۷۵

این مقاله زنده‌یاد دکتر علی نقی دنباله و ذیلی دیگر بر مقاله ایشان در همین مجله چیستا با نام: کشاکش خردگرایی با قشرگرایی در خاورمیانه از گذشته تا سده نهم، مجله چیستا، شماره ۱۳۱، مهر ۱۳۷۵، برگه ۵۵ - ۶۴.

کشاکش‌های درون خاورمیانه

تقسیم دوباره خاورمیانه

۹. سده نهم تقسیم مجدد خاورمیانه و کشاکش نوین

در سه سده ۷، ۸، ۹، چنان که دیدیم، رشد آزاد دوگانه مذهب در خاورمیانه ادامه می‌یابد.

در باختر قشرگرایی به تیمیه و وهابیان می‌رسد و در خاور خودگرایی به ملاعلی قوشچی و افضل‌الدین ترکه و سپس به مدرسه‌های دشتکی و دوانی می‌انجامد که در سده یازدهم در مدرسه ملاصدرا منحل می‌شود، به تعبیری دیگر، مدتی پیش از تقسیم خاورمیانه در مرزهای نظامی سیاسی دجله میان صفویان و عثمانیان این منطقه از نظر ایدیولوژی تقریباً همانند پیش از اسلام تقسیم شده بود.

۹ - ۱. خلافت عثمانی و داوری میان غزالی و ابن‌رشد

نرمش ارجایی بوحنیفه، گنوسیسم اسلامی را که از دوران سهروردی و ابن‌عربی در آسیای صغیر ریشه داشت، در سلجوق‌زادگان عثمانی آن سامان تقویت می‌کرد و قشرگرایی پیروان تیمیه به تعصب تسنن ایشان دامن می‌زد.

سلطان محمد فاتح (۸۴۷ - ۸۸۶ق) دستور داد: کتابی در داوری میان تهافت غزالی ست‌گرا و تهافت خردگرای ابن‌رشد نگاشته شود.

دو داوری نامه نگاشته شد:

- **نخست:** از آن مصطفی خواجه‌زاده پسر یوسف (د: ۸۹۳ق) که آن را در چهار ماه نگاشت؛
 - **دومی:** از آن علاءالدین علی طوسی (د: ۸۷۸ق) صاحب شرح فارسی بر مطالع الأنوار که در شش ماه آن را به پایان رسانید.

این دو محاکمه؛ یا داوری‌نامه به نام تهافت سوم و چهارم، پس از تهافت اول غزالی و تهافت دوم ابن‌رشد، مشهور شدند.^۱ هنگامی که این دو داوری و محاکمه بر سلطان محمد فاتح عرضه شد، وی محاکمه خواجه‌زاده را که سنی‌تر بود، برگزید که این نشانی از بالاتر بودن مذهب تسنن و اندیشه تیمیه و ضعف اندیشه گنوسیستی در آن روزگار است. من هنوز به مطالعه داوری علاءالدین طوسی که در الذریعة، ج ۲۰، ۱۳۶ معرفی می‌شود، موفق نشده‌ام و از وجود آن در جایی سراغ ندارم. امید است در بدرشدن طوسی و بازگشت مایوسانه‌اش به ایران سبب نابودی کتاب نشده باشد؛ لیکن درباره محاکمه خواجه‌زاده که آن را خوانده‌ام، می‌توانم بگویم که کتاب او به ادعای ضد خردگرایی ابن‌رشد و پشتیبانی از دگماتیسم غزالی دفاع نموده است و گاهی نیز از غزالی پس‌گرایی بیشتر نشان می‌دهد و هیچ‌جا از ابن‌رشد و ابن‌سینا پشتیبانی ننموده است. شاید اگر غزالی زنده بود و سلطان ترک این دستور را به او داده بود غزالی هم نمی‌توانست، سنی‌تر از خواجه‌زاده بنگارد. خواجه‌زاده از ترتیب ابن‌رشد و غزالی پیروی نکرده است؛ بلکه کتابی در بیست فصل، هم‌دل با غزالی و سنی‌تر از او نگاشته است و قشرگرایی را تأیید می‌نماید.

به هر حال، علاء طوسی در پی مردود شدن داوری‌نامه‌اش معترضانه از کشور عثمانی به ایران بازگشت.

۹-۲. خریداری کردن ترک‌ها خلافت اسلامی را از عرب‌ها

جهت‌گیری سنی‌مآبانه در ترجیح داوری خواجه‌زاده بر داوری ملاعلی طوسی با خودپسندی و زیادت‌خواهی آل عثمان جمع شد و ایشان را به برپاداشتن مجدد دستگاه خفقان خلافت واداشت.

^۱ نک: الذریعة، ج ۴، ۵۰۲، شماره ۲۲۵۵؛ ج ۲۰، ۱۳۶، شماره ۲۲۷۹: محاکمات بین الغزالی و الحكماء، فی کشف الظنون، ج ۲، ۳۹۰ قال إنه للمولى علي الطوسي المسمى بالبدائة كما مر، أقول: لم يذكر البدائة في محله من الجزء الأول وإنما ذكر البدائة في المواعظ للغزالي.

اگر نتوانسته‌اند در اروپای مسیحی پیش روند، چرا در خاور اسلامی به سوی هند نروند؟ چرا شمشیر خلافت را که طبق آیه قرآن (بنا بر تفسیر سنّی) واجب‌الاطاعه است، به دست نگیرند؟ عثمانیان شنیدند که در مصر جوانی به نام المتوکل علی الله خود را از نوادگان عباسیان بغداد می‌داند؛ یا این که این معنی را خود عثمانیان به وی القا کردند، پس او را به استانبول آورده، طبق سند رسمی حق خلافت عربی را برای این مهاجر از آسیای میانه خریداری کردند.

برای دانستن چگونگی این معامله مذهبی سیاسی، نک: تاریخ الدول الاسلامیة، ج ۱، ۱۹ و ۱۴۴۳. دشمنی ضدّ گنوسیسم اسلامی در خلافت عثمانی، شاید به دلیل حنفی بود، اندکی نرم‌تر از دشمنی خلافت عربی عباسیان بود؛ لیکن در دشمنی با خردگرایی همانند یکدیگر بودند.

۹-۳. دوانی، خواجه‌زاده سنّی را تأیید می‌نماید

هنگامی که داوری‌نامه خواجه‌زاده از دست ابن مؤید یکی از درباریان عثمانی به دست جلال دوانی رسید، دوانی گفت: من نیز چنین می‌خواستم کرد، هر گاه او نگاشته بود، من آن را می‌نگاشتم^۲؛ البته نمی‌توان این اعلام موافقت را تا حدّ چراغ سبز از طرف دوانی برای همکاری با ترکان عثمانی بالا برد.

باید جستجو کرد تا داوری‌نامه علاءالدین علی طوسی را به دست آورد و دید او چه کرده و چه اندازه از گنوسیسم کرده بود که از طرف سنّیان عثمانی مردود شناخته شده بود، سپس دیده شود که حکیم شاه‌محمد بن مبارک قزوینی، یکی از شاگردان مدرسه دوانی شیراز در گذشته ۹۶۶ق، حاشیه‌ای بر داوری‌نامه خواجه‌زاده نگاشت^۳.

^۱ تاریخ الدول الاسلامیة، لابن طباطبا و هو کتاب الفخري في الآداب السلطانية و الدول الاسلامیة، ابو عبدالله محمد بن علی بن علی بن طباطبا، ابن الطقطقی (۶۶۰-۷۰۹ق)، انتشارات دار صادر، داریبورت، ۱۳۸۰ق، ۳۶۲ برکه.

^۲ نک: کشف الظنون، ج ۱، ۵۰۹-۵۱۳؛ الذریعة، ج ۶، ۵۰.

^۳ نک: الذریعة، ج ۶، ۴۹، شماره ۲۴۷ به نقل از شقایق نعمانیة. الحاشیة علی التهافت: حکیم شاه‌محمد بن مبارک قزوینی (د: ۹۶۶ق).

دومین حاشیه که بر محاکمه خواجهزاده نگاشته شد از آن احمد بن سلیمان بن کمال پاشا (د: ۹۴۰ق) بوده است^۱ و بدین سان داوری درباره کشاکش چند قرنی خردگرایان و قشرگرایان به نمایندگان دو مدرسه گنوسیستی شیراز رسید. سه کتاب تهافت از آن غزالی و ابن رشد همراه با محاکمه خواجهزاده به سال ۱۳۱۹ و ۱۳۲۱ق در مصر چاپ شده است که بررسی آن‌ها برای شناخت روند تکامل اندیشه در ایران بایسته است^۲.

۱۰. مدرسه‌های شیراز در سده نهم

شیراز پس از سقوط بغداد به دست مغول، مانند اصفهان، کاشان، سبزوار، نیشابور و هرات یکی از چند مرکز علم ایران به شمار می‌رفت.

در شیراز در سده نهم دو مدرسه علمی شکل گرفت و اگر کازرون را نیز بدان پیوند دهیم، یک مدرسه سومی خواهد شد که در زمینه اخلاق اجتماعی بود و به نام اخوان الهی در آن منطقه شهرت داشت که این مدرسه اخیر با جنبه‌های مذهبی اجتماعی، شبه سوسیالیستی که داشت، سخن درباره اش خارج از بحث مقال ماست.

دو مدرسه علمی شیراز

- یکی مدرسه خاندان کهن سال دشتکی؛
- و دیگری مدرسه جوان و نوبنیاد دوانی است.

^۱ شمس‌الدین احمد فرزند سلیمان با آوازه ابن کمال؛ یا کمال پاشا زاده زاده سال ۸۷۳ است که به سال ۹۳۲ در روزگار سلطان سلیمان عثمانی به مقام شیخ‌الاسلامی رسید. وی در سال ۹۴۰ق درگذشت. نک: کشف الظنون، ج ۱، ۵۱۳.

^۲ معجم المطبوعات العربیة، البیان سرکیس، برگه ۱۰۸ و ۱۴۱۱.

این هر دو مدرسه، همانند همه ایرانیان از اسلام نرم و به گفته دیگر اسلام سهل سمح طرفداری می نمودند و بنا بر نقل اشپولر Spuler از داراب هرمزیار، در این دوران برخی از روابط با پارسیان هند نیز برقرار شده بود^۱. هیچ یک از این دو مدرسه طرفدار قشرگرایی مذهبی نبود که در مدرسه های جوزیه، تیمیه (۶۶۱-۷۲۸ق) در باخر فرات، در سوریه و لبنان دیده می شد. دو مدرسه یادشده شیراز در عرفان بدون خشونت، خود را هم گام؛ یا جانشین مدرسه اخوان الهیون گوشه کناری می شمردند که به رهبری قطب محیی اداره می شد و می توان در آن نشانه هایی از گونه ای کمینزم مذهبی مشاهده نمود. از این رو، بهتر است با شناسایی سران این دو مدرسه آغاز کنیم.

الف. مدرسه دشتکی

۱۰-۱. مدرسه دشتکی

خاندان دشتکی یکی از خاندان های شیراز بود که در سده های ۹ و ۱۰ هـ علم، ثروت و روحانیت را در آن منطقه در خود گردآورده بود. نسب نامه ایشان ریشه قدرت این خاندان را به بیش از یک قرن می رساند.

۱۰-۱-۱. صدر سوم دشتکی

بزرگ این خاندان در سده ۹ هـ که اکنون سخن ما درباره اش است و مقام رهبری و استادی در این مدرسه با او بود، صدرالدین محمد سوم دشتکی (۸۲۸-۹۰۳ق) است که احوالش را مرحوم پدرم در طبقات، سده ۱۰ هـ^۲ از گفته فرزندش منصور دشتکی در کتاب کشف الحقائق آورده، می گوید: او به مجرد نفس و معاد قائل می بود، سپس زنجیره پیران او را به خواجه نصیرالدین طوسی و ابن سینا می رساند و چهارده تالیف او را نام می برد.

او گوید: صدر دشتکی سوم به دست ترکمانان کشته شد، ولی نمی گوید آیا قاتلان از طرف ترکمانان حاکم قره قوینلو؛ یا آق قوینلوی ضد صفوی بودند؛ و یا راهزنان غیر سیاسی این کار را انجام دادند.

^۱ تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ترجمه فلاطوری، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۱، ۳۵۲.

^۲ إحياء الدائر من مآثر أهل القرن العاشر، طبقات أعلام الشيعة، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، پژوهش علینقی منزوی، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶خ، برگه ۲۱۸.

منصور دشتکی دوم می‌افزاید: پدرم به هنر شطرنج دلبستگی فراوان داشت؛ لیکن در پایان از آن روگردان شد. این روشن‌بینی و نرمش در احوال پسر او غیاث‌الدین منصور دوم دشتکی وزیر و فرزند او صدر چهارم دشتکی در طبقات سده ۱۰هـ، برگه ۲۱۹ و ۲۵۴؛ و الذریعة، ج ۱۰، ۳۸ نیز دیده می‌شود، هر چند برای رعایت حال حکومت قشرگرای صفوی به این مردان بزرگ نسبت توبه قشرگرایانه از شطرنج نیز داده شده است.

۱۰- ۱- ۲. منصور دوم دشتکی

پس از مرگ صدر سوم ریاست مدرسه به فرزند او غیاث‌الدین منصور دوم دشتکی زاده ۸۶۶ و درگذشته جمادی یکم سال ۹۴۹ رسید. این دانشمند که به لقب استاد بشر و عقل حادی عشر نیز خوانده می‌شود، مدتی به وزیری طهماسب‌شاه قشرگرای صفوی رسید و در پی سیاست نادرست و عقب‌افتاده این پادشاه ناگزیر به استعفا شده، از پایتخت قزوین به شیراز برگشته، در گوشه مدرسه دشتکی خود به تدریس نشست.

واپس‌گرایان توانستند دشتکی را از وزارت برکنار کنند؛ لیکن نتوانستند لقب حادی عشر را از تألیفات او بزدایند.

خاندان دشتکی
عرب‌شاه
علی
اسحاق
صدرالدین محمد اول ^۱
ابراهیم ^۲

^۱ طبقات اعلام الشيعة، الحقائق الراهنة، الحقائق الراهنة في أعيان المائة الثامنة، شيخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، به کوشش علینقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹خ)، دارالکتب العربي، بیروت، لبنان ۱۹۷۵م، برگه ۱۷۸.

^۲ همان جا، برگه ۳.

صدرالدین محمد دوم ^۱	
اسحاق	غیاث‌الدین منصور اول
نظام‌الدین احمد دشتکی فرزند اسحاق ^۲	صدرالدین محمد سوم فرزند منصور (۸۲۸ - ۹۰۳ق)
	غیاث منصور دشتکی دوم، وزیر ^۳ (۸۶۶ - ۹۴۹ق) فرزند صدرالدین
شرف‌الدین علی فرزند غیاث منصور دوم ^۴	صدرالدین محمد چهارم فرزند غیاث منصور دوم ^۵
محسن دشتکی فرزند شرف‌الدین علی ^۶	

نسب‌نامه خاندان دشتکی بنیان‌گذاران مدرسه دشتکی

۱۰ - ۲. سیاست واپس‌گرایی شاه طهماسب چه بود؟

در این دوران قشرگرایان سنی دربار عثمانی، خردگرایی ایرانیان شیعی را به عنوان بی‌دینی می‌کوبیدند. صفویان نیز به جای این که به خردگرایی تشیع افتخار ورزند و آن را گسترش دهند، درصدد انکار واقع برآمده و با پیش کشیدن سیاستی نادرست، ناشی از سنی‌تباربودنشان، خود را در نوعی مسابقه قشرگرایی با سنیان عثمانی قرار دادند.

^۱ همان جا، ۱۷۶.

^۲ الضیاء اللامع في القرن التاسع، طبقات أعلام الشيعة، شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، مقدمه‌نگاری، تحقیق و تصحیح علی‌نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹خ)، دارالکتب العربی، بیروت، لبنان ۱۹۷۵ م، برگه ۶.

^۳ إحياء الدائر من مآثر أهل القرن العاشر، طبقات أعلام الشيعة، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، پژوهش علینقی منزوی، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶خ، برگه ۲۵۴ - ۲۵۷.

^۴ همان جا، برگه ۲۱۹.

^۵ همان جا، برگه ۱۵۱.

^۶ همان جا، برگه ۲۰۰.

صفویان برای پیش برد این سیاست ایران برانداز، کارهای کشوری، قضا و مساجد را به مهاجران عرب نیم‌شیعی که زیر فشار سنیان عثمانی به ایران پناهنده شده بودند، سپردند. این مهاجران غالباً به گفته صاحب تتمیم الأمل، برگه ۱۶۹، فلسفه و عرفان شیعی ایران را به درستی نمی‌فهمیدند و پیروی سنیان آن را بدعت می‌شمردند و نسبت به شهیدان خود [منظور شهید اول و دوم] نیز که مردانه به دست سنیان عثمانی جان داده بودند، به عنوان بی‌تقیه بودن، اعتراض می‌داشتند. (طبقات، سده ۱۱هـ، برگه ۲۳۶)

این سیاست صفوی هم‌چون کندن گور خود به دست خویش بود تا آن جا که در قرن ۱۲هـ این اندیشه را در میان روشن‌بینان ایرانی پدید آورد که اگر به هنگام پیدایش خلافت ترک عثمانی در سده ۱۰هـ پدران ایرانی ما از همکاری در ایجاد وحدت اسلامی با ایشان، بدین دلیل امتناع می‌کردند که فلسفه و عرفان و عقاید ناسنی و مترقی تشیع را در زیر سانسور قشرگرایان سنی دربار ترک عثمانی قراردهند، پس امروز دلیلی برای ترسیدن ما از هم‌زبانان گنوسیست افغانی وجود ندارد، پس به سادگی افغانان به اصفهان درآمدند و باقیمانده مدرسه‌های نیم‌مرده آن را نیز بستند.

۱۰ - ۳. نفوذ این خاندان

قدرت فئودالی خاندان دشتکی بزرگان ایشان را از فروتنی برای حکام ترکمان سنی بی‌نیاز می‌کرد. از این رو، در نگاشته‌های ایشان گنوسیسم آشکارتر است؛ لیکن همین وابستگی به املاک و زمین‌داری مانع ایشان از مسافرت و تماس با بزرگان شهرستان‌ها می‌شد، در صورتی که رقیب ایشان دوانی هنگامی به شیراز آمد که یک فرد ساده‌تنگ‌دست بود و در کنار جدیت در درس‌ها و نگارش تألیف‌ها، با همکاری دوستش حسین میبیدی به حاکمان ترکمان نزدیک شد و با کمک ایشان به مسافرت‌های آذربایجان و عراق تا به نجف اقدام کرده بر گستره علم و آگاهی‌های اجتماعی خویش می‌افزود.

^۱ تتمیم أمل الأمل، حسن صدر (د: ۱۳۷۴ق)، انتشارات دارالمؤرخ العربي، پژوهش عبدالکریم دباغ، عدنان دباغ و حسین علی محفوظ، شش جلد؛ تکملة أمل الأمل، حسن صدر (د: ۱۳۷۴ق)، انتشارات مکتبه آیه‌الله مرعشی نجفی، تصحیح احمد اشکوری حسینی، به کوشش محمود مرعشی، قم، ۵۲۵ برگه.

^۲ الروضة النضرة في علماء المائة الحادية عشرة، طبقات أعلام الشیعة، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، تصحیح و مقدمه‌نگاری علینقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹خ)، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲خ.

می توان گفت: در نگاشته‌های دوانی آگاهی‌های بسیار و پرده‌پوشی (تقیه از حکام) نیز فراوان است، ولی آثار مدرسه دشتکی در عین صراحت و روشنی در گنوسیسم از نظر کمیّت به نیمی از آثار دوانی نمی‌رسد. نزدیک‌شدن دوانی به حاکمان ترکمان و خلیفه بایزید عثمانی، وزیری دوانی برای جهان‌شاه حاکم ترکمان شیراز، قبول مقام قضا شهر شیراز برای خودش و قضای شهر یزد برای همکارش حسین میبیدی هر چند بر نفوذ او و مدرسه‌اش افزود و آن را تا مرز رقابت با مدرسه دشتکی بالا برد؛ لیکن زشتی همکاری با حکام جور از نظر مردم، شأن او را در میان مردم گنوسیست پایین آورد و در پایان کار سقوط قره‌قوینلو به دست آق‌قوینلو و سقوط هر دو به دست صفویان و رسیدن منصور دشتکی به وزارت صفویان سبب شد که پرده فراموشی بر مدرسه دوانی کشیده شود.

ب. مدرسه دوانی

شناخت این مدرسه را نیز مانند مدرسه دشتکی با شناسایی سران و نمایندگان آن آغاز می‌کنیم.

ملا جلال دوانی (۸۳۰ - ۹۰۳ ق)

ملا جلال الدین محمد فرزند اسعد دوانی (۸۳۰ - ۹۰۳ ق)، از مردم دوان وابسته به کازرون شیراز است. مرگ او را نهم ربیع دوم آن سال (۹۰۸) نوشته‌اند.

او علوم مقدماتی را در زادگاه خود دوان نزد پدرش اسعد که قاضی کازرون بود تحصیل کرده برای علوم بالاتر به شیراز شد و به در محیی الدین انصاری (قطب محیی) همام الدین شارح مطالع و حسن بقال رفت. شاید به مدرسه دشتکی هم پیوست، زمانی که صدرالدین محمد سوم دشتکی (۸۲۸ - ۹۰۳ ق) که تنها دو سال از دوانی پیرتر بود، آن مدرسه را اداره می‌کرد. سران مدرسه دشتکی رابطه نیکو با ترکمانان حاکم آن روزگار که سنی‌نماتر از مردم بودند، نداشتند، پس چون دوانی دانش خود را کمتر از محیط آن مدرسه نمی‌دید به حاکم ترکمان و ایرانی شده شیراز (۸۶۲ - ۸۷۲ ق) جهان‌شاه نزدیک شد.

این حاکم ادب دوست از طرف پدرش قره یوسف فرمانروای قره قوینلو در تبریز به فرمانداری شیراز منصوب بود. او به فارسی شعر می سرود و حقیقی تخلص داشت و با جامی (۸۱۷ - ۸۹۸ق) مکاتب می کرد.^۱

جهان شاه دوانی را به وزیری خود در حکومت شیراز بگماشت. دوانی در دوران این وزارت کتاب اخلاق جلالی؛ یا لوامع الاشراف^۲ را به شیوه طهارة الاعراق^۳ مشکویه رازی (۳۰۰ - ۴۲۰ق) و مانند اخلاق ناصری^۴ خواجه نصیرالدین طوسی (۵۹۷ - ۶۷۲ق) بنگاشت.

هنگامی که جهان شاه در جنگ با آق قوینلو کشته شد، دوانی دومین پایان نامه را در تبریز در زاویه مظفریه برای کتاب خود شواکل الحور^۵ نگاشت. دوانی پیش از آن در دیباچه این کتاب، آن را به محمود خواجه جهان (۸۱۳ - ۸۸۶ق) وزیر پادشاه دکن هند پیشکش کرده بود.

او در این دومین پایان نامه که تاریخ پنجشنبه یازدهم شوال ۸۷۲ دارد، با اندو فراوان خبر کشته شدن مخدومش جهان شاه قره قوینلو را در تاریخ ۱۳ ربیع یکم ۸۷۲ می آورد.

گفته اند: دوانی پس از پایان دوره وزارتش به تدریس در مدرسه بیگم (مدرسه یتیمان) بازگشته است؛ لیکن آشکار نیست، آیا این وزارت دوانی با استعفا پایان گرفت؛ یا پس از کشته شدن مخدوم او جهان شاه، بی کار شده، به مدرسه بیگم به تدریس پرداخت.

آیا او کم کم این مدرسه را به صورت رقیب مدرسه دشتکی درآورد؟

^۱ الذریعة، ج ۹، ۲۵۹، شماره ۱۵۶۶.

^۲ همان جا، ج ۱، ۳۷۳؛ ج ۱۸، ۳۵۹، شماره ۴۷۳. لوامع الإشراف في مكارم الأخلاق.

^۳ همان جا، ج ۱۵، ۱۸۷، شماره ۱۲۵۷. طهارة الأعراف في تحصيل الأخلاق، ابوعلى مسكويه احمد فرزند محمد فرزند يعقوب فرزند مسكويه رازی خازن رازی هم روزگار و هم آورد ابوعلى سينا (۳۷۰ - ۴۲۸ق).

^۴ همان جا، ج ۱، ۳۸۰، شماره ۱۹۷۳.

^۵ الذریعة، ج ۱۴، ۲۳۹، شماره ۲۳۷۱، شواکل الحور في شرح هياكل النور للسهروردي، شرح محقق الدوانی مولی جلال الدین محمد فرزند أسعد (د: ۹۰۸ق)، زمان پایان نگارش ۱۱ شوال سال ۸۷۲ است.

باری پس از قتل جهان‌شاه و انقراض قره‌قویونلو که گنوسیست‌تر بودند، کار به دست آق‌قویونلو که سنی‌تر بودند، افتاد. رابطه اوزون حسن آق‌قویونلو (۸۶۷ - ۸۸۳) و دو پسرش خلیل و یعقوب نیز با دوانی نیکو بود.

۱. ب. سفر دوانی به آذربایجان

یعقوب بایندری پسر اوزون حسن (۸۸۴ - ۹۹۶ق) یادشده، دوانی را به تبریز فراخواند. دوانی به همراهی دوست خود میرحسین میبیدی (د: ۹۱۱ق) که دیوان امیرمؤمنان (ع) را با دید گنوسیستی حاد شرح کرده است^۱ به تبریز شد و در آن جا فرمان قاضی القضاة شیراز را برای خود و قاضی یزد را برای میبیدی بگرفت.

او در این سفر به نقل از قاضی نورالله شوشتری (۹۵۶ - ۱۰۱۹ق) در یک جلسه مناظره علمی دوانی با بواسحاق تبریزی شرکت جست و بر این رقیب پیروز شد. گویا میبیدی نیز همانند دوانی به سبب بار علمی که داشت از مدرسه دشتکی در شیراز پیروی کامل نمی‌کرده و هر دو با ترکمانان حاکم رابطه نزدیک می‌داشته‌اند.

از میبیدی مجموعه نامه‌ها (منشئات) برجا مانده است که با دوانی، صفی عیسی [قاضی صفی‌الدین عیسی]، علی‌شاه شرف دیلمی، بواسحاق تبریزی، نظام‌احمد داد و ستد شده است^۲. بررسی این نامه‌ها و هم‌چنین نامه‌های قطب محیی^۳ ما را از اوضاع ایران در سده نهم و دهم، به ویژه از کشاکش علمی میان سه مدرسه اخوان الهی، دشتکی و دوانی آگاه می‌سازد. انشای فارسی این نامه‌ها به زبان فارسی پیش از آلودگی به لهجه‌ای است که سیل مهاجران عرب که زیر فشار عثمانیان پس از تقسیم خاورمیانه به ایران پناهنده شده بودند، به زبان فارسی وارد کردند، نوشته شده و برای واژه‌گزینان فرهنگستان بسیار مفید است.

^۱ الذریعة، ج ۱۳، ۲۶۵، شماره ۹۸۶. شرح دیوان امیرالمؤمنین (ع) مولی حسین فرزند معین‌الدین میبیدی. تاریخ پایان نگارش سال ۸۹۰ق، به گونه ناقص در لکهنو، سال ۱۲۹۳ق چاپ شد.

^۲ الذریعة، ج ۲۲، ۳۸، شماره ۷۹۵۷؛ فهرست رضوی، فکرت، برگه ۵۵۹، فهرست کتابخانه سلطنتی، با تاریخ ۹۰۵.

^۳ الذریعة، ج ۲۲، شماره ۵۴۱۵.

آثار مورد کشاکش دو مدرسه

۱۱. آثاری که مورد کشاکش علمی دو مدرسه قرار گرفت

۱۱-۱. اثبات الواجب

پس از آن که دوانی چند رساله بدین نام نگاشت، نخستین آن‌ها به نام اثبات الواجب قدیم شناخته شد. مؤلف این رساله را برای بایزید خلیفه ترک عثمانی (د: ۸۸۶ق) فرستاد و پس از ده سال اعتراض‌های مخالفان، دوانی وادار شد کتابی نوین به همان نام بنگارد که با نام اثبات الواجب جدید شهرت یافت. دوانی در دیباچه آن شاید پوزش خواهانه می‌گوید: من اثبات الواجب قدیم را ده سال پیش در سن جوانی نگاشته بودم.

با این همه یکی از شاگردان مدرسه دشتکی به نام محمود نیریزی (مجاز: ۹۰۳؛ ز: ۹۵۰ق) پس از مرگ دوانی و دشتکی، کتابی به نام اثبات واجبه در سال ۹۲۱ق نگاشت، به گفته خود در میان دوانی و مخالفانش شرحی میان‌ه‌رو ساخته است.^۱

۱۱-۲. شرح‌های تجرید

متن تجرید استوارترین و کهن‌ترین سند کلامی شیعه پس از سقوط خلافت عرب است که به خامه خواجه نصیرالدین طوسی (۵۹۷-۶۷۲ق) نگاشته شده است. خواجه فیلسوفی بود که برای براندازی خلافت غصبی و جابر عباسی پس از بیست سال همکاری با اسماعیلیان و پس از مایوس شدن از امام حاضر الموتیان، از آن دژ فرود آمده به دوازده امامیان معتقد به غیبت معصوم پیوست و با بزرگانی، چون ابن طاوس (۵۸۹-۶۶۴ق) و ابن علقمی (۵۹۳-۶۵۶ق) همکاری نمود و همراه آنان در سقوط خلافت سنی بغداد حضور داشت. این کتاب تا کنون بهترین معرف مذهب شیعیان امام غایب در جهان است.^۲

^۱ الذریعة، ج ۱، ۱۰۲، شماره ۵۰۹؛ طبقات أعلام الشيعة، سده ۱۰، برگه ۲۴۳. اثبات واجبه للمولى الحاج محمود بن محمد بن محمود النيريزي المجاز من السيد الأمير صدرالدين الدشتكي سنة ۹۰۳ و هو شرح إثبات الواجب الجديد للدواني.

^۲ الذریعة، ج ۳، ۳۵۲-۳۵۵.

بارها این کتاب به سبب امتیازهایی که در بردارد، از طرف دانشمندان شیعه و حتی سنیان مورد حاشیه‌نویسی و شرح‌نویسی قرار گرفته است. سیزده شرح و شش حاشیه از آن در الذریعة، ج ۱۳ و ج ۶ دیده می‌شود.^۱ قدیم‌ترین شرح تجرید را شاگرد و هم‌فکر مؤلف، علامه حلی (۶۴۸-۷۲۶ق) به نام کشف المراد^۲ نگاشت که خود حاشیه‌ها دارد و برخی از آن‌ها در الذریعة، ج ۶، ۱۱۸ دیده می‌شود. دو تا از شرح‌های دیگر تجرید با لقب شرح قدیم از محمود اصفهانی (۶۷۴ق)^۳ و شرح جدید از ملاعلی قوشچی (د: ۸۷۹ق) شناخته می‌شود.

نگارنده شرح قدیم محمود اصفهانی مردی عارف اشراقی مشرب و از نرمش ارجایی مذهب بوحنیفه برخوردار بود، چون برای تعلیم نزد تیمیه به دمشق رفت از خشونت‌های او واگرفته، شرحی بر تجرید نگاشته و در آن از گنوسیسم علامه حلی بکاست و بر قشرگرایی بیفزود و با آن که خود در دیباچه از شرح‌های پیشین یاد می‌کند، به شرح قدیم شهرت یافت و چون خشکی‌های آن شرح ایرانی‌پسند نبود ریاضی‌دان بزرگ ملاعلی قوشی شرحی دیگر نگاشت که از خشونت‌های اصفهانی شاگرد تیمیه بکاست و به سلطان بوسعید فرزند شاهرخ (۸۵۵-۸۷۳ق) پادشاه گنوسیست تیموری پیشکش کرد.

دانشمندان برای رودررویی این دو کتاب، نخستین را شرح قدیم و دومین را شرح جدید می‌خوانند. هنگامی که دو شرح یادشده تجرید، شرح قدیم با گرایش‌های قشری سلفی و شرح جدید با گرایش‌های گنوسیستی و خردگرا به مدرسه‌های شیراز رسید، هنوز صفویان بر شیراز چیره نشده بودند، پس دوانی یک حاشیه به نام یعقوب بایندر آق‌قوینلو بر شرح جدید قوشچی طوری نگاشت که پسند ترکمانان حاکم سنی باشد، چون این حاشیه به مدرسه دشتکی رفت،

^۱ الذریعة، ج ۱۳، ۱۳۸-۱۴۱ و شش حاشیه از آن در الذریعة، ج ۶، ۳۱-۳۲.

^۲ الذریعة، ج ۱۸، ۵۹، شماره ۶۶۸: کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، للشیخ جمال‌الدین ابی‌منصور الحسن بن سدیدالدین یوسف بن المطهر الحلی.

^۳ تسدید القواعد فی شرح تجرید العقائد، نوشته شمس‌الدین، ابوالثناء محمود بن عبدالرحمان اصفهانی (۶۷۴-۷۴۹ق).

صدر سوم دشتکی حاشیه‌ای بر آن حاشیه نگاشت، پس دشتکی حاشیه جدید خود را در ردّ بر حاشیه دوم دوانی نگاشت، پس دوانی سومین حاشیه را به نام حاشیه اجد نگاشت.

این پنج حاشیه که سه حاشیه از دوانی و دو حاشیه از صدر سوم دشتکی به نام طبقات جلالیه و صدریه معروف شده است^۱. نسخه‌هایی از حاشیه‌ها بر شرح‌های تجرید که در کتابخانه ملی موجود است، به شماره‌های زیرین در فهرست معرفی شده است. ۷؛ ۶۷؛ ۷۹؛ ۸۳؛ ۸۵؛ ۲۰۰۵؛ ۲۰۰۶؛ ۲۰۴۴/۴؛ ۲۰۱۲۲؛ ۲۳۰۱؛ ۲۵۵۲.ع.

۱۱ - ۳. حاشیه‌های شرح مطالع الأنوار؛ یا طبقات صدري - جلالی مطالع

متن مطالع الأنوار در منطق و فلسفه کلامی تألیف سراج‌الدین محمود ارموی (۵۹۴ - ۶۸۹ ق) فیلسوف کردتبار است که از ارومیه برخاسته، در موصول بیاموخت و به دمشق شد و در شهر قونیه درگذشت و به خاک شد.

او جز این رساله، چندین کتاب فلسفی دیگر، مانند شرح اشارات ابن سینا دارد. مطالع الأنوار در دو بخش است:

الف: منطق؛

ب: فلسفه که این خود در چهار بخش است:

(۱) امور عامه؛

(۲) جوهر؛

(۳) عرض؛

(۴) علم الهی.

این کتاب به سبب دقت و استواری مطلب، کلاسیک شد و شرح و حاشیه‌ها بر آن نگاشته آمد که در کشف الظنون، ج ۲، ۱۷۱۵ یادشده است.

^۱ الذریعة، ج ۱۵، ۱۴۷ و ۱۵۱؛ ج ۳، ۳۵۴.

معروف‌ترین شرح مطالع الأنوار تألیف قطب رازی بویه محمد بن محمود (۶۹۴ - ۷۶۶ق) است که آن را برای غیاث‌الدین وزیر شرح نمود و لوامع الأسرار نامید که خود حاشیه‌های بسیار دارد. هفده حاشیه آن در الذریعة، ج ۶، ۱۳۲ - ۱۳۵ یادشده و سیزده حاشیه بر حاشیه‌های آن از دو مدرسه دشتکی و دوانی بیرون آمده است که مهمترین آن‌ها از دو رهبر مدرسه‌ها، صدر دشتکی و جلال دوانی است که به رقابت ضد یکدیگر برخاسته و سپس یاران هر یک به دفاع از مدرسه خویش نگاشته‌اند و چون ردیه و پاسخ ردیه تکرار می‌شد با واژه قدیم و جدید و گاه اجد / نوتر از یکدیگر جداسازی می‌شدند و شناسایی می‌گردیدند. مجموعه آن‌ها را طبقات صدری و جلالی مطالع الأنوار می‌خوانند.

صاحب الذریعة در ج ۶، شماره ۷۲۴ و ۷۲۷ دوانی حاشیه‌نگار نخست و دشتکی را آغازگر پاسخ‌گویی قلمداد کرده است، ولی در عنوان و شناسه طبقات در الذریعة، ج ۱۵، ۱۴۷ و ۱۵۱، مانند کشف الظنون، ج ۲، ۱۰۹۶ و ۱۱۰۴ آغازگر مشخص نشده است.

غیر از حاشیه‌های یادشده دشتکی و دوانی، دو پاسخ‌نامه از دوانی ضد دشتکی با نام تنویر المطالع^۱ و تعویذ المطالع^۲ در کتابخانه رضوی موجود است^۳ که با آغاز و انجام و مشخصات جدا معرفی شده است.

تنویر به معنی روشنگری است و تعویذ به معنی دفاع از اعتراض‌های حاشیه‌نگار پیشین.

نسخه‌هایی از حاشیه‌های شرح مطالع که در کتابخانه ملی موجود است و بررسی آن‌ها به فهم مطالب این مقال کمک می‌کند با شماره‌های زیرین در فهرست معرفی شده است:

۴۹ع؛ ۵۴ع؛ ۱۰۸ع؛ ۱۳۶/۱ع و ۱۳۶/۲ع؛ ۱۴۵ع؛ ۸۰۶ع؛ ۲۲۴۰ع؛ ۲۲۶۶غ ۲۳۱۱ع؛ ۲/۲۵۷۲ع؛ ۲۵۷۸ع.

چلبی در کشف الظنون در عنوان مطالع الأنوار شرح‌های زیرین را نیز بر مطالع یاد می‌کند:

(۱) شرح محمود اصفهانی؛

(۲) شرحی به نام تنویر المطالع بی ذکر نام مؤلف؛

^۱ تنویر المطالع، حاشیه قدیمه للمولی جلال الدوانی (م: ۹۰۸ق) علی حاشیه میر صدرالدین الدشتکی الشهید فی (۹۰۳ق) التي كتبها هو أولاً علی شرح المطالع تألیف قطب‌الدین الرازی. توجد ضمن مجموعة من رسائل الدواني الموقوفة فی (۱۰۶۵) لمکتبة مدرسة فاضل خان فی المشهد الرضوی فانتقلت منها إلى الخزانة الرضویة أخیراً، ثم لما كتب الصدر الدشتکی الحاشیه الجدیة علی شرح المطالع و تعرض فیه للرد علی ما فی تنویر المطالع هذا كتب الدواني أيضا تنویر المطالع الثاني مع تجديد النظر فی الأول كما يأتي.

تنویر المطالع و تبصیر المطالع، هو الحاشیه الجدیة للدواني علی الحاشیه الجدیة الدشتکیة. صرح فیه أنه كتب قبل ذلك حاشیه قدیمه علی حاشیه الصدر و سماها بـ «تنویر المطالع» أيضا، ثم جدد النظر فیه و كتب هذه الثانية الجدیة، و بینهما اختلافات فی الخطبة و الدیاجة و بعض العبارات، و هو أيضا من موقوفات فاضل خان لمدرسته. الذریعة، ج ۴، ۴۷۱، شماره ۲۰۹۴ و ۲۰۹۵.

^۲ تعویذ المطالع و تبصیر المطالع، حاشیه جدیة علی الحاشیه الشریفیة علی شرح المطالع، للمولی جلال الدین محمد بن أسعد الدواني (م: ۹۰۷ق) نسخة منه فی الخزانة الرضویة من وقف المولی أسدالله بن محمد مؤمن العاملی المعروف بابن خاتون فی سنة ۱۰۶۷ق. الذریعة، ج ۴، ۲۲۷، شماره ۱۱۴۳.

^۳ نک: فهرست رضوی، ج ۲، ۳۲۷.

۳) شرح فارسی علاءالدین علی طوسی (د: ۸۸۷ق). وی یکی از دو تنی است که مأمور نگارش داوری نامه میان غزالی و ابن رشد گردیدند. (نک: بند ۹ - ۱ برگه ۲ همین مقاله)

شایان ذکر است که نسخه شرح علاء طوسی، اکنون در کتابخانه مدرسه سپسالار موجود است به امید روزی که یک دانشمند مأمور تحقیق و چاپ این اثر گرانبها گردد.

۱۱ - ۴. هیاکل النور و شرح هایش

یکی از کتاب‌ها که در دو مدرسه یادشده شیراز مورد کشاکش فلسفی قرارگرفت، کتاب هیاکل النور سهروردی و نظریات مطرح شده در آن است. متن هیاکل النور یکی از آثار درخشان سهروردی پایه‌گذار و زنده‌کننده فلسفه اشراق در دوران اسلام ایران است.

۱۱ - ۴ - ۱. سهروردی و هیاکل النور

زندگی‌نامه‌ای کوتاه از این مرد بزرگ و این کتاب او در بخش یکم این مقاله گذشت و چنان که دیدیم تا روزی که دستگاه قشرگرای خلافت عباسی برپا بود کسی جرأت نداشت، نام این فیلسوف بزرگ را بر زبان آورد، ولی پس از سقوط آن مرکز خفقان در بغداد به سال ۶۵۶ق نیز با این که در خاور دجله تا سند، هنر و فلسفه و علم رو به رشد نهاد، رصدخانه و مدرسه مراغه به دست خواجه نصیرالدین طوسی (د: ۶۷۲ق) برپا شد، باز در باختر فرات تا مدیترانه قشرگرایی و تسنن هم‌چنان پابرجا بود و هر گاه نیز رشد می‌کرد و عقلای بر خلاف عقل، چون جوزیه و تیمیه جاده را برای پیدایش مذهب قشری و سخت‌گیرانه و هابیان سلفی صحرا بازمی‌کردند؛ لیکن ترس ایلخانان از بازگشت عباسیان به دست سنیان، ایلخانان را از توسل به مذهب شیعه ناگزیر کرد.

قراردادی میان علامه حلی (۶۴۸ - ۷۲۶ق) و سلطان محمد خدابنده، اولجایتو (فرمانروایی: ۷۰۳ - ۷۱۶) بسته شد که مذهب را به نوعی از سیاست تفکیک کرده و مذهب شیعه را تحت نظر علامه آزاد نهاد و به تأسیس مدرسه سیاره که با اردوی

ایلخان حرکت می‌کرد، کمک نمود که بزرگانی، چون آملی محمد بن محمود (د: ۷۵۳ق) و دائرةالمعارف فارسی او نفائس الفنون از فرآورده‌های آن مدرسه سیاره است.^۱

۱۱- ۴- ۲. دو قرن بی خلیفگی

در دو سده فترت میان سقوط خلافت عرب بغداد در سال ۶۵۶ق و تشکیل خلافت خریداری شده ترک در سال ۹۲۲ق در استانبول، خردگرایی در شرق هم‌چنان رو به گسترش می‌رفت. پیدایش مدارس فلسفی در شیراز، اصفهان، کاشان، نیشابور، هرات و در پایان دو مدرسه دشتکی و دوانی در شیراز، راه اندیشه را برای دانشجویان بازمی‌کرد و حس کنجکاوی را در ایشان برمی‌انگیخت. یکی از پدیده‌های این گسترش مطرح‌شدن مجدد پانته‌ئیسیم بود که اقدام دوانی به شرح کتاب هیاکل النور سهروردی را نیز می‌توان پیش‌درآمد آن شمرد.

گویا دوانی در آغاز کار این شرح را برای خاندان قره‌قوینلو که گنوسیست‌تر از خاندان آق‌قوینلو بودند و شاید برای جهان‌شاه که ایرانی شده بود و خود را فرمانروای ایران می‌شمرد و شعر فارسی با تخلص حقیقی می‌سرود و با جامی (۸۱۷ - ۸۹۸ق) شاعر بزرگ گنوسیست ایران مکاتبت داشت^۲، نگاشته باشد و پس از شکست قره‌قوینلو از آق‌قوینلو و کشته‌شدن جهان‌شاه مخدوم دوانی به سال ۸۷۲ق، دوانی ترجیح می‌دهد کتاب را به جای مخدوم جدیدش اوزون حسن آق‌قوینلو که سنی‌تر بود، آن را به وزیر هندوستان بدان راه دور بفرستد و چنان که خواهیم دید، هر چند دوانی به ملاحظه قشرگرایی ترکمانان سنی حاکم بر ایران که گاهی در این شرح، تقیه و پرده‌پوشی می‌کند، باز هم این کتاب همان اندازه نمودار قدرت اندیشه‌های والای شارح است که رساله عرفانی او که به زبان فارسی سره نگاشت^۳، اندیشه ایران‌دوستی دوانی را نشان می‌دهد.

هنوز هم برای من نگارنده این مقال روشن نیست که دوانی از چه راه با محمود جوان ملقب به خواجه جهان وزیر گنوسیست پادشاه دکن هندوستان آشنا شد تا کتاب هیاکل النور را با تندگی گنوسیستی که نسبت بدان روزگار داشت، برای وزیر هندی

^۱ نک: طبقات أعلام الشیعة، قرن ۸، برگه ۵۳ و قرن ۱۱، مقدمه.

^۲ الذریعة، ج ۹، ۲۵۹، شماره ۱۵۶۶.

^۳ الذریعة، ج ۲۲، شماره ۶۵۱۴.

شرح کرد با همه تقیه و پرده پوشی که در این کتاب به کار رفته است، نزد دوانی پذیرفتنی نیست. از این رو، آن را برای فرامانروایان هندوستان فرستاد که هم از ایران دور و هم به اصول گنوسیسم نزدیک تر بودند؛ البته پس از کوتاه شدن دست قشرگرایان از ایران، شرحی دیگر بر کتاب هیاکل النور به دست دشتکی (۸۶۶ - ۹۴۹ق) وزیر فیلسوف شاه طهماسب صفوی (فرمانروایی: ۹۳۰ - ۹۸۰ق) به نام اشراق الهیاکل النور نگاشته شد که اندکی از پرده پوشی های قشرگرایان دوانی را برکنار زده است؛ لیکن باز هم جای افسوس است که سیاست نادرست و قشرگرایی صفویان که گوشه ای آن در صفحه ۱۶ - ۱۸ گزارش شد، قلم این وزیر روشن اندیش را بشکست. ترس شاه صفوی از عثمانیان او را ناگزیر کرد تا بر مهاجران محافظه کار عرب تکیه کرده، دشتکی را به خواری از حکومت راند و او را در شیراز خانه نشین کرد.

۱۱ - ۴ - ۳. فرق میان دو شرح هیاکل النور

اینک برای سنجش میان دو اندیشه در دو شرح هیاکل النور از دوانی و دشتکی، نمونه ای از آن ها در این جا آورده می شود:
- سهروردی در آغاز فصل پنجم از هیکل چهارم زیر عنوان ازلی بودن فعل خداوند، جهان را جاودانه (ازلی - ابدی) می شمرد^۱.

دوانی در شرح شواکل الحور در همین جا هشدار می دهد که این به معنی نفی اختیار از خدا نباشد؛ زیرا که خداوند ارادتی قدیم (جاودانه) دارد^۲، در صورتی که دشتکی در شرح خود، می گوید: حدوث ذاتی جهان را همگان می ذیرند، اما حدوث زمانی چنین نیست و حکما منکر آن اند، هر چند خواجه نصیر طوسی به دلیل تضایف که بهترین دلیل حدوث زمانی است، استناد نموده است؛ لیکن من در آن شک دارم^۳.

^۱ نک: شرح هیاکل النور سهروردی، شرح شواکل الحور، جلال دوانی، چ. هند، ۱۹۵۳م، برگه ۱۴۳.

^۲ همان برگه.

^۳ نک: اشراق هیاکل النور، برگه ۸۱، نسخه دست نویس شماره ۲۱۹۹، کتابخانه ملی ایران.

- در فصل دوم از هیکل پنجم درباره عبارت سهروردی که می‌گوید: [فَتَّحْرِيكُهَا لِتَحْرِيكِ جِزْمِ الْفَلَكَ الْمُتَحَرِّكِ] دوانی گوید: این عبارت سست است و بایستی می‌گفت: [فَتَّحْرِيكُهَا لِجِزْمِ الْفَلَكَ الْمُتَحَرِّكِ]^۱. در این جا دشتکی در شرح خود به دفاع از سهروردی برخاسته گوید: عبارت سهروردی هیچ گونه سستی ندارد و تقدیر کلمه جرم بیهوده است.^۲

دوانی در آغاز فصل دوم هیکل پنجم در شرح عبارت سهروردی که گفته است: [فَإِذَا تَأَمَّلْنَا كِبْرِيَاءَ الْحَقِّ وَالْخَرَّةَ] با نقل عبارتی از حکمة الاشراق کلام زردتشت آذربایجانی [نبی کامل صاحب کتاب زند] را نقل می‌کند؛^۳ لیکن دشتکی در این جا عرب‌زدگی نشان می‌دهد و آن نام‌ها را نمی‌آورد. (نسخه کتابخانه ملی، شماره ۲۱۹۹، برگه ۹۱)

دشتکی شرح خود را بدینی نسبت به دوانی و همه کارهای وی انباشته و با جوش و خروش، باطل بودن نظریه‌ها و پیشنهادهای او در شرح مطالب هیکل النور را بدیهی و آشکار می‌خواند و با درستی بر وی پرخاش می‌نماید. دشتکی درشت‌گویی را تا نام‌گذاری کتاب خود نیز به کار برده است، پس چون دوانی شرح خود را شواکل الحور / تصویرهایی از حوریان نامیده بود، دشتکی شرح خود را اشراق هیکل النور عن ظلمات شواکل الغرور / روشنگر تاریکی‌ها از تصویرهای دروغین می‌نامد.^۴

^۱ نک: شرح هیکل النور سهروردی، شواکل الحور، جلال دوانی، چ. هند، ۱۹۵۳م، برگه ۱۵۳.

^۲ نک: اشراق هیکل النور، برگه ۹۱ب، سطر اول، نسخه دست‌نویس شماره ۲۱۹۹، کتابخانه ملی ایران.

^۳ نک: شواکل الحور، جلال دوانی، چ. هند، ۱۹۵۳م، برگه ۱۵۵، سطر آخر.

^۴ نک: الذریعة، ج ۲، ۱۰۳، شماره ۴۰۴: إشراق هیکل النور عن ظلمات شواکل الغرور لغیث الحکماء الأمير غیث‌الدین منصور بن الأمير صدرالدین الحسینی الدشتکی الشیرازی المتوفی سنة ۹۴۸. جدّ السید علی خان المدني و صاحب المدرسة المنصورية بشیراز هو شرح لهیاكل النور في حکمة الإشراق للشیخ شهاب‌الدین یحیی بن حبش السهروردي المقتول سنة ۵۸۷ الذي قال أبوالقاسم الكازروني إنه أحيا مراسم حکمة الإشراق كما أحيا الفارابي دوارس حکمة المشاء. عمد غیث‌الدین في شرحه هذا إلى دفع اعتراضات المحقق المولى جلال‌الدین محمد بن أسعد الدواني المتوفی سنة ۹۰۸ التي أوردها علی هیکل النور في شرحه له الذي سماه شواکل الحور. هم‌چنین نک: الذریعة، ج ۱۴، ۱۷۷، شماره ۲۰۶۵.

دشتکی در این شرح به ردّ اعتراض شرح دوانی بر هیاکل النور سهروردی بسنده نکرده به کتاب‌های دیگر دوانی، مانند زوراء نیز اعتراض‌ها دارد. (نک: برگ ۹۳ و ۹۴)

با این که ۹۰٪ اعتراض‌های دشتکی بر دوانی درست و حق با وی است، بازهم درشتی‌های دشتکی در بیان، خوانند را می‌آزارد و او را وامی‌دارد تا به طرف او با نظر ارفاق بنگرد.

اشتباہ دشتکی در آن است که اختلاف شرایط زمانی سده نهم و دهم و تقسیم خاورمیانه را به فراموشی سپرده است. دوانی یک دانشمند گنوسیست، بی‌پناه نان‌خور حُکام سُئی متعصب ترکمان سده نهم و در حقیقت اسیر ایشان بود و اگر اندکی از این پرده‌پوشی و تقیّه می‌کاست، کشته می‌شد؛ یا دستکم به گرسنگی می‌افتاد.

دشتکی در روزگاری می‌زیست که پادشاه، نام ایرانی تهماسب دارد و خود را هر چند به دروغ گنوسیست می‌شمرد و خود دشتکی صدر اعظم چنین دولت است و آن گاه که این پادشاه زبون عثمانی می‌شود و از ترس آنان برای تظاهر به قشرگرایی کارها را به دست آخوندهای قشری عرب می‌سپرد و ایشان حکم عزل این صدراعظم را می‌ستد تا مدرسه گنوسیستی خاندان دشتکی را اداره کند تا گسترش اندیشه‌های این مدرسه در قرن بعد، کسانی چون میرداماد (۹۷۰ - ۱۰۴۱ ق) قائل به قدم زمانی جهان در کتاب قبسات و صدرا (۹۷۹ - ۱۰۵۰ ق) قائل به حرکت جوهری را به جهان هدیه کند.

خوانساری از سلم السموات نقل می‌کند که گفت: شاگردان درس مدرسه دوانی بیشتر از مدرسه دشتکی بود؛ لیکن درس‌های دشتکی اشراقی‌تر از دوانی بود، پس می‌توان گفت دلیل بیشتربودن دانشجویان دوانی سُئی‌نمایی‌های او و شاید به دوران وزارت او بر حاکمان ترکمان برمی‌گردد.

۱۱ - ۴ - ۴. کارهایی که درباره هیاکل النور انجام گرفته است

در پایان شایسته است از ترجمه‌های فارسی شناخته‌شده هیاکل النور نیز یاد کنیم:

- نسخه‌ای ناقص از یک گزارش هیاکل النور در مجموعه‌ای در رم هست که آقای پیه‌منتسه در فهرست خود (برگه ۹۶ - ۹۷) از شارحی ناشناس معرفی نموده و به خواهش این ناچیز فتوکپی آن را نیز به من لطف نموده است و از ایشان سپاس گزارم.

ترجمان در آغاز گوید: به رسم مطالعه ... سلطان الاتراک ... مبارز الدنيا و الدين غياث الاسلام ... به پارسی ترجمه کرده شد. (برگه ۴۵)

- شرحی نیز به فارسی در دارالکتب قاهره هست که نسخه آن را آقای نصرالله طرازی تاشکندی تبار مصری در فهرست کتابخانه، ج ۱، ۹۶ معرفی نموده و آن را ترجمه دوانی می داند و متأسفانه با همه درخواست های من، هنوز بدان دست نیافته ام.

۱۱- ۴- ۵. دیگر کسانی که درباره هیاکل النور کار کرده اند

چلبی در کشف الظنون، ج ۲، ۲۰۴۷ گوید: یحیی بن پیرعلی بن نصح معروف به نوعی رومی (۹۴۰ - ۱۰۰۷ ق) حاشیه ای بر هیاکل النور دارد.

اسماعیل پاشا در هدیه العارفين گوید: این مرد حاشیه ای بر خواجهزاده در محاکمه میان غزالی و ابن رشد نیز نگاشته است.^۱

عبدالرزاق لاهیجی (د: ۱۰۷۲ ق) داماد ملاصدرا نیز حاشیه ای بر هیاکل النور دارد.^۲

مرحوم پدرم در الذریعة، ج ۱۴، ۱۷۷، شماره ۲۰۶۴ گوید: شرحی که به سال ۱۳۲۳ در تهران همراه با شواکل الحور دوانی بی نام شارح چاپ شده است، از معاصران ماست.

حزین علی بن ابی طالب (۱۱۰۳ - ۱۱۸۰ ق) نیز حاشیه ای بر هیاکل النور نگاشته است.^۳

اسماعیل مولوی انقره ای (د: ۱۰۲۰ ق) شرحی به نام ایضاح الحکم بر هیاکل النور دارد.^۴

جناب آقای دکتر غلام حسین ابراهیمی دینانی، از معاصران ما کتابی گرانمایه در ۷۱۲ برگه به عنوان شعاع اندیشه و شهود در فلسفه سهروردی دارند که در این مقال از ایشان، استفاده بسیار کرده و سپاس گزار هستم.

^۱ منظور یحیی بن پیرعلی بن نصح معروف به نوعی رومی (۹۴۰ - ۱۰۰۷ ق) است.

^۲ الذریعة، ج ۱۴، ۱۷۷، شماره ۲۰۶۵.

^۳ الذریعة، ج ۶، شماره ۴۶۲؛ الکواکب المنتشرة في القرن الثاني بعد العشرة، طبقات أعلام الشيعة، شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مقدمه نگاری، تحقیق و تصحیح علی نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹ خ)، چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۲ خ، برگه ۵۱۷.

^۴ کشف الظنون، ج ۲، ۲۰۴۷.

کتابنامه

نمایه کتاب و مقاله

- اثبات الواجب جدید، جلال الدین محمد محقق دوانی (۸۳۰-۹۰۸ق)، نسخه‌ای از مجموعه شماره ۱۷۷۲/ ع کتابخانه ملی ایران.
- اثبات الواجب قدیم، جلال الدین محمد محقق دوانی (۸۳۰-۹۰۸ق)، نسخه خطی کتابخانه ملی ایران، پیشکش به سلطان بایزید عثمانی (د: ۸۸۶ق)؛ پایان نامه محی الدین ساجدی، راهنما ابراهیم دینانی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاه تهران، ۱۳۶۲خ.
- إثبات واجبة للمولى الحاج محمود بن محمد بن محمود النيريزي المجاز من السيد الأمير صدرالدين الدشتكي سنة ۹۰۳ و هو شرح إثبات الواجب الجديد للدواني كتبه سنة ۹۲۱م. (الذريعة، ج ۱، ۱۰۲، شماره ۵۰۹؛ طبقات أعلام الشيعة، سده ۱۰، برگه ۲۴۳)
- إحياء الدائر من متأثر أهل القرن العاشر، طبقات أعلام الشيعة، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵-۱۳۴۸خ)، پژوهش علینقی منزوی، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶خ، برگه ۲۱۸.
- اخلاق جلالی؛ یا لوامع الاشراق، جلال الدین محمد محقق دوانی (۸۳۰-۹۰۸ق)، نسخه خطی کتابخانه دانشگاه فردوسی، مشهد، نسخه خطی کتابخانه ملی ایران، نک: الذريعة ج ۱، ۳۷۳؛ ج ۱۸، ۳۵۹، شماره ۴۷۳.
- إشراق هياكل النور عن ظلمات شواكل الغرور غياث الدين دشتكي شیرازی منصور فرزند صدرالدین محمد (د: ۹۴۸ق)، نسخه دست‌نویس شماره ۲۱۹۹، کتابخانه ملی ایران؛ دیگر: پژوهش علی اوجبی، دانشکده کلام و فلسفه اسلامی دانشگاه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، ۱۳۴۳خ؛ دیگر: مرکز پژوهشی میراث مکتوب، تهران، ۱۳۸۲خ.
- إعداد الفهارس الشاملة للكتب و المخطوطات الشرقية بدارالكتب المصرية، نصرالله مبشر فرزند محمدخان طرازی (۱۹۲۲-۲۰۰۲م).
- ایضاح الحکم شرح هياكل النور اسماعیل مولوی انقره‌ای (د: ۱۰۲۰ق) کشف الظنون، ج ۲، ۲۰۴۷.

- تاریخ الدول الاسلامیة، لابن طباطبا و هو كتاب الفخري في الآداب السلطانية و الدول الاسلامیة، ابو عبدالله محمد بن علی بن علی بن طباطبا، ابن الطفطی (۶۶۰ - ۷۰۹ق)، انتشارات دار صادر، دار بیروت، ۱۳۸۰ق، ۳۶۲ برگه.
- تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، اسپولر *Spuler* ترجمه فلاطوری، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۱، ۳۵۲.
- تتمیم أمل الآمل، حسن صدر (د: ۱۳۷۴ق)، انتشارات دارالمؤرخ العربی، پژوهش عبدالکریم دباغ، عدنان دباغ و حسین علی محفوظ، شش جلد؛ تکملة أمل الآمل، حسن صدر (د: ۱۳۷۴ق)، انتشارات مكتبة آية الله مرعشی نجفی، تصحیح احمد اشکوری حسینی، به کوشش محمود مرعشی، قم، ۵۲۵ برگه.
- تجريد الاعتقاد، خواجه نصیرالدین محمد فرزند محمد طوسی (۵۹۷ - ۶۷۲ق)، همراه با شرح علامه حلی (۷۲۶ق)، تهران، ۱۳۱۱خ؛ دیگر: تحقیق محمد جواد حسینی جلالی، تهران، مکتب اعلام اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.
- تسدید القواعد في شرح تجريد العقائد، نوشته شمس الدین، ابوالثناء محمود بن عبدالرحمان اصفهانی (۶۷۴ - ۷۴۹ق)، تعویذ المطالع تعویذ المطالع و تبصیر المطالع، حاشیه جدیدة علی الحاشیه الشریفیة علی شرح المطالع، للمولی جلال الدین محمد بن أسعد الدوانی (م: ۹۰۷ق) نسخه منه في الخزنة الرضوية من وقف المولی أسدالله بن محمد مؤمن العاملی المعروف بابن خاتون في سنة ۱۰۶۷ق. الذریعة، ج ۴، ۲۲۷، شماره ۱۱۴۳.
- تنوير المطالع و تنصير المطالع، حاشیه جلال الدین محمد فرزند اسعد محقق دوانی (۸۳۰ - ۹۰۸ق)، شماره بازیابی: ۳۷۲۸، شماره مدرک کتابخانه مجلس: IR10-34933.
- تهافت التهافت، ابن رشد، ابوالولید محمد فرزند احمد فرزند اندلسی (۵۲۰ - ۵۹۵ق / ۱۱۲۶ - ۱۱۹۸م)، چ. بیروت، ۱۹۳۰م؛ تصحیح سلیمان دنیا. مصر ۱۹۶۴.
- تهافت الفلاسفة؛ یا تهافت الفلاسفة، غزالی (د: ۵۰۵ق)، چاپ موريس یوسز، بیروت، ۱۹۲۷م؛ چاپ دیگر: تصحیح و مقدمه فخری، بیروت، ۱۹۹۰.
- تهافت غزالی و ابن رشد همراه با محاکمه خواجهزاده، مصر، ۱۳۱۹ و ۱۳۲۱ق.
- تهذيب الأخلاق و تطهير الأعراق یا طهارة الاعراق (نگارش: ۳۷۲ - ۳۷۵ق / ۹۸۲ - ۹۸۵م)، مشکویه، ابوعلی احمد فرزند محمد فرزند یعقوب رازی (د: ۴۲۱ق / ۱۰۳۰م)، چاپهای فراوان در قاهره، تهران و استانبول.

- حاشیه بر محاکمه میان غزالی و ابن رشد خواجهزاده، یحیی بن پیرعلی بن نصح معروف به نوعی رومی (۹۴۰ - ۱۰۰۷ ق) حاشیه بر هیاکل النور عبدالرزاق لاهیجی (د: ۱۰۷۲ ق) داماد ملاصدرا الذریعة، ج ۶، شماره ۴۶۲؛ حاشیه بر هیاکل النور، حزین علی بن ابی طالب (۱۱۰۳ - ۱۱۸۰ ق) الذریعة، ج ۶، شماره ۴۶۲؛ حاشیه محاکمه خواجهزاده، احمد بن سلیمان بن کمال پاشا (د: ۹۴۰ ق) کشف الظنون، ج ۱، ۵۱۳. حاشیه ای بر هیاکل النور، یحیی بن پیرعلی بن نصح معروف به نوعی رومی (۹۴۰ - ۱۰۰۷ ق) الحاشیة علی التہافت: حکیم شاه محمد بن مبارک قزوینی (د: ۹۶۶ ق). نک: الذریعة، ج ۶، ۴۹، شماره ۲۴۷ الذریعة إلى تصانیف الشیعة، الجزء الاول، آب حیات - ازهاق الباطل، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مطبعه الغری، نجف، عراق، ۱۳۵۵ ق / ۱۹۳۶ م.
- الذریعة إلى تصانیف الشیعة، الجزء الثالث، البائیه الحمیریہ - التحیہ المبارکہ، آقابزرگ تهرانی، مطبعه الغری، نجف، عراق، ۱۳۱۷ خ / ۱۳۵۷ ق / ۱۹۳۸ م.
- الذریعة إلى تصانیف الشیعة، الجزء الثالث عشر، شاپور و شهناز - شرح قصیده ابن سینا العینیہ، آقابزرگ تهرانی، مطبعه القضاء، نجف، عراق، ۱۳۷۸ ق / ۱۹۵۹ م.
- الذریعة إلى تصانیف الشیعة، الجزء الثامن عشر، کشف - لیلی و مجنون، آقابزرگ تهرانی، به کوشش احمد منزوی، چاپخانه اسلامیہ، تهرآن، ۱۳۴۶ خ / ۱۳۸۷ ق / ۱۹۶۷ م.
- الذریعة إلى تصانیف الشیعة، الجزء الثاني و العشرون، المقالید - المنتخب، آقابزرگ تهرانی، به کوشش احمد منزوی، چاپخانه اسلامیہ، تهرآن، ۱۳۵۳ خ / ۱۳۹۳ ق / ۱۹۷۴ م.
- الذریعة إلى تصانیف الشیعة، الجزء الخامس عشر، صابون - عیون، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علینقی منزوی، دانشگاه تهرآن، ۱۳۴۳ خ / ۱۳۸۴ ق / ۱۹۶۵ م.
- الذریعة إلى تصانیف الشیعة، الجزء الرابع، التخاطب - التیمیة، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علینقی منزوی، چاپخانه مجلس، تهرآن، ۱۳۲۰ خ / ۱۳۶۰ ق / ۱۹۴۱ م.

- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء الرابع عشر، شرح قصیده ابن الفارض - الشينيه، آقابزرگ تهرانی، مطبعة الآداب، نجف، عراق، ۱۳۸۱ق / ۱۹۶۱م.
- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء السادس، الحائريات - حزن المؤمنین، آقابزرگ تهرانی، به كوشش علینقی منزوی، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۲۵خ / ۱۳۶۵ق / ۱۹۴۶م.
- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء العاشر، ذائقه ماتم - الرسائل و المكاتیب، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، به كوشش علینقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹خ)، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۳۵خ / ۱۳۷۶ق / ۱۹۵۶م.
- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء العشرون، المجتبی - المسبل، آقابزرگ تهرانی، به كوشش احمد منزوی، چاپخانه اسلامیه، تهران، ۱۳۴۹خ / ۱۳۹۰ق / ۱۹۷۰م.
- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، القسم الاول من الجزء التاسع، دیوان آئینه - دیوان دیهیم، آقابزرگ تهرانی، به كوشش علینقی منزوی، مجلس شورا، تهران، ۱۳۳۳خ / ۱۳۷۴ق / ۱۹۵۵م.
- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، القسم الثالث من الجزء التاسع، دیوان عبدالصمد - دیوان مینوی همدانی، آقابزرگ تهرانی، به كوشش علینقی منزوی، دانشگاه تهران، ۱۳۴۲خ / ۱۳۸۳ق / ۱۹۶۴م.
- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، القسم الثاني من الجزء التاسع، دیوان ذاتی - دیوان عبدالصمد، آقابزرگ تهرانی، به كوشش علینقی منزوی، چاپخانه دولتی، تهران، ۱۳۳۸خ / ۱۳۷۸ق / ۱۹۵۹م.
- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، القسم الرابع من الجزء التاسع، دیوان نائب - دیوان یونس، آقابزرگ تهرانی، به كوشش علینقی منزوی، دانشگاه تهران، ۱۳۴۵خ / ۱۳۸۶ق / ۱۹۶۷م.
- الروضة النضرة في علماء المائة الحادية عشرة، طبقات أعلام الشيعة، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، تصحیح و مقدمه نگاری علینقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹خ)، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲خ.
- سلم السموات، ابوالقاسم فرزند ابوحامد کازرونی، تصحیح عبدالله نورانی، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، تهران، ۱۳۸۶خ.

شرح اثبات الواجب جدید، جلال‌الدین محمد فرزند اسعد محقق دوانی (۸۳۰-۹۰۸ق)، نسخه خطی کتابخانه ملی ایران؛ تصحیح و تحقیق و مقدمه حسین بن عبدالحق الهی اردبیلی، به کوشش مریم اسفندی، مرکز تربیت مدرس صدیقه کبری (ع)، قم، ۱۳۹۸خ.

شرح اشارات ابن‌سینا، سراج‌الدین محمود ارموی (۵۹۴-۶۸۹ق)
شرح تجرید العقاید از ملاعلی فرزند محمد قوشچی (د: ۸۷۹ق) پیشکش به سلطان بوسعید فرزند شاهرخ (۸۵۵-۸۷۳ق)، تهران، چاپ سنگی، ۱۲۸۵ق.

شرح تجرید دوانی یک حاشیه به نام یعقوب بایندر آق قوینلو نگاشت
شرح دیوان امیرالمؤمنین (ع) مولی حسین فرزند معین‌الدین میبیدی (د: ۹۱۱ق). تاریخ پایان نگارش سال ۸۹۰ق، به گونه ناقص در لکهنو، سال ۱۲۹۳ق چاپ شد. الذریعة، ج ۱۳، ۲۶۵، شماره ۹۸۶.

شرح مطالع الأنوار به نام تنویر المطالع بی ذکر نام مؤلف.
شرح مطالع الأنوار تألیف قطب رازی بویه محمد بن محمود (۶۹۴-۷۶۶ق) است که آن را برای غیاث‌الدین وزیر شرح نمود و لوامع الأسرار نامید.

شرح مطالع الأنوار علاء‌الدین علی طوسی (د: ۸۷۸ق)
شرح مطالع الأنوار فارسی علاء‌الدین علی طوسی (د: ۸۸۷ق). وی یکی از دو تنی
شرح هیاکل النور دشتکی (۸۶۶-۹۴۹ق) وزیر فیلسوف شاه طهماسب صفوی (فرمانروایی: ۹۳۰-۹۸۰ق) به نام اشراق الهیاکل النور

شرح هیاکل النور سهروردی، شواکل الحور، جلال دوانی، چ. هند، ۱۹۵۳م، برگه ۱۵۳.
شرح هیاکل که به سال ۱۳۲۳ در تهران همراه با شواکل الحور دوانی بی نام شارح چاپ شده است، از معاصران ماست، الذریعة، ج ۱۴، ۱۷۷، شماره ۲۰۶۴ گوید.

شعاع اندیشه و شهود در فلسفه سهروردی، غلام‌حسین ابراهیمی دینانی، ۷۱۲ برگه.

شقایق نعمانیة في علماء الدولة العثمانية، العقد المنظوم في ذكر أفاضل الروم، طاش کبری زاده، احمد فرزند مصطفی فرزند خلیل (۹۰۱ - ۹۶۸ق)، انتشارات در سعادت، استانبول؛ دیگر: دارالکتب العربی، بیروت.

شواکل الحور في شرح هياكل النور سهروردي، جلال دوانی، چ. هند، ۱۹۵۳م؛ دیگر: تحقیق محمد عبدالحق و محمد کوکن.

شواکل الحور في شرح هياكل النور لسهروردي، جلال الدين محمد فرزند اسعد محقق دوانی (۹۰۸ق / ۱۵۰۲م)، تحقیق محمد عبدالحق و محمد کوکن.

شواکل الحور في شرح هياكل النور لسهروردي، شرح محقق الدوانی مولی جلال الدين محمد فرزند أسعد (د: ۹۰۸ق)، زمان پایان نگارش ۱۱ شوال سال ۸۷۲ است. شواکل الحور، دوانی پیش از آن در دیباچه این کتاب، آن را به محمود خواجه جهان (۸۱۳ - ۸۸۶ق) وزیر پادشاه دکن هند پیشکش کرده بود. در این دومین پایان نامه که تاریخ پنجشنبه یازدهم شوال ۸۷۲ دارد، با اندو فراوان خبر کشته شدن مخدومش جهان شاه قره قوینلو را در تاریخ ۱۳ ربیع یکم ۸۷۲ می آورد. الذریعة، ج ۱۴، ۲۳۹، شماره ۲۳۷۱.

طبقات جلالیه و صدریه، نک: الذریعة، ج ۱۵، ۱۴۷ و ۱۵۱؛ ج ۳، ۳۵۴.

طهارة الأعراق في تحصيل الأخلاق، ابوعلی مسکویه احمد فرزند محمد فرزند یعقوب فرزند مسکویه رازی خازن مشکویه رازی (۳۰۰ - ۴۲۰ق). الذریعه ج ۱۵، ۱۸۷، شماره ۱۲۵۷.

الفهرس الوصفي للمخطوطات الفارسية المزینة. نصرالله مبشر فرزند محمدخان طرازی (۱۹۲۲ - ۲۰۰۲م). فهرست الفبائی کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، فکرت، محمد آصف، مشهد، ۱۳۶۹خ. فهرست کتابخانه سلطنتی.

فهرست مخطوطات فارسی دارالکتب، نصرالله طرازی، دو جلد بزرگ.

قبسات [قبسات حق الیقین في حدوث العالم]، میر محمدباقر فرزند محمد حسینی استرآبادی میرداماد (۹۷۰ - ۱۰۴۰ق)، چاپ سنگی، سال ۱۳۱۵ق؛ دیگر: تصحیح مهدی محقق و همکاری علی موسوی بهبهانی، توشی هیکو ایزوتسو و ابراهیم دیباجی، دانشگاه تهران، ۱۳۵۶خ و ۱۳۶۷خ.

- کشاکش خردگرایی با فشرگرایی در خاورمیانه از گذشته تا سده نهم، دکتر علی نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹خ)، مجله چیستا، شماره ۱۳۱، مهر ۱۳۷۵، برگه ۵۵ - ۶۴.
- کشف الحقائق، غیاث‌الدین منصور دوم دشتکی
- کشف الظنون، حاجی خلیفه یک فرهنگ کتاب‌شناسی از حاجی خلیفه مصطفی کاتب چلبی ترک (۱۰۱۷ - ۱۰۶۷ق) است. ج. چهارم تصحیح یالتقیا، استانبول ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۳م، افست در تهران همراه با ذیل آقابزرگ تهرانی منزوی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ) پدرم، ۱۹۶۷م.
- کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، علامه حلی، جمال‌الدین ابومنصور حسن فرزند سدیدالدین یوسف فرزند مطهر حلی (د: ۷۲۶ق)، به کوشش حسن حسن‌زاده آملی، قم، ۱۴۰۷ق.
- کشف المراد، شرح فارسی تجرید الاعتقاد، شعرانی، ابوالحسن، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۷۲خ.
- الکواکب المنتشرة في القرن الثاني بعد العشرة، طبقات أعلام الشيعة، شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، مقدمه‌نگاری، تحقیق و تصحیح علی نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹خ)، چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۲خ.
- کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، للشیخ جمال‌الدین أبي منصور الحسن بن سدیدالدین یوسف بن المطهر الحلی. الذریعة، ج ۱۸، ۵۹، شماره ۶۶۸:
- لوامع الأسرار فی شرح مطالع الأنوار، قطب رازی بویه محمد بن محمود (۶۹۴ - ۷۶۶ق)، چاپخانه حاج محرم افندی، اواخر صفر ۱۳۰۳.
- لوامع الإشراف فی مکارم الأخلاق؛ یا اخلاق جلالی (درخشش خورشید در خوبی رفتار)، به کوشش عبدالله مسعودی آرانی، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۹۰خ.
- مجالس المؤمنین، قاضی نورالله شوشتری (۹۶۵ - ۱۰۱۹ق)، تصحیح گروهی از بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، احمد عبدمنافی، انتشارات اسلامیة، ۱۳۷۷خ.
- مدارس شیراز در سده نهم، دکتر علی نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹خ)، مجله چیستا، آبان و آذر ۱۳۷۵، شماره ردیف ۱۳۲ - ۱۳۳، برگه ۱۶۱ - ۱۷۵.

مدارس شیراز در سده نهم

۳۰

مطالع الأنوار در منطق و فلسفه کلامی تألیف سراج‌الدین محمود ارموی (۵۹۴ - ۶۸۹ق)؛ مطالع الأنوار (طرف المنطق) و شرحه المسمى لوامع الأسرار في شرح مطالع الأنوار (جلد ۱)، مؤلفان: محمد بن محمد قطب‌الدین رازی، محمدحسین نائیجی، محمود بن ابی‌بکر سراج‌الدین ارموی، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ویراستار: ابوالقاسم رحمانی، تهران، ۱۳۹۴خ.

معجم المطبوعات العربية و المعربة و هو شامل لأسماء الكتب المطبوعة في الأقطار الشرقية و الغربية مع ذكر أسماء مؤلفيها و لمعة من ترجمتهم و ذلك من يوم ظهور الطباعة إلى نهاية السنة الهجرية ۱۳۳۹ الموافقة لسنة ۱۹۱۹ ميلادية، يوسف اليان سرکيس (۱۲۷۲ - ۱۳۵۱ق)، کتابخانه عمومی مرعشی نجفی، قم، ۱۴۱۰ق.

منشآت، مجموعه نام‌ها میبیدی حسین فرزند معین‌الدین میبیدی برجا مانده است

منشآت، نام‌های قطب محیی الذریعة، ج ۲۲، شماره ۵۴۱۵.

نفائس الفنون في عرائس العيون، شمس‌الدین محمد بن محمود بن محمد بن علی بن یوسف کاکیان خورانی انزانی آملی (د: ۷۵۳ق/۱۳۵۲م)، تصحیح و مقدمه ابوالحسن شعرانی و هدایت‌الله مسترحمی، انتشارات اسلامیه، تهران، ۳ جلد، ۱۳۸۱خ.

هياكل النور، شهاب‌الدین یحیی فرزند حبش (ک: ۵۸۷ق)، مطبعة السعادة، مصر، ۱۳۳۵ق / ۱۹۱۶م.

دکتر علی‌نقی نیشزوی